مقایسه باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و زنان عادی

احمد موحد،[1] زهره عباسی[2]
عاطفه احتشام‌پور،[3] فاطمه احمدی[4]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی انجام شد. این مطالعه در چارچوب طرح علی ـ مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق و زنان عادی ساکن شهر قاین بود که از میان آنان ۲۵ زن متقاضی طلاق و ۲۵ زن عادی به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز استفاده شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون T مستقل صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد میانگین نمرات باورهای ارتباطی در زنان متقاضی طلاق (۹۶٫۷۲۰۰) به‌طور معناداری کمتر از زنان عادی (۱۰۶٫۰۴۰) است که بیانگر تفاوت معنادار بین دو گروه در این متغیر می‌باشد. در مقابل، اگرچه میانگین باورهای غیرمنطقی در زنان متقاضی طلاق (۳۳۹٫۲۴۰) نسبت به زنان عادی (۳۳۳٫۵۲۰) بالاتر بود، اما این تفاوت از نظر آماری معنادار گزارش نشد. بر اساس نتایج، به نظر می‌رسد الگوی باورهای ارتباطی ناکارآمد می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تمایزبخش در زنان متقاضی طلاق مطرح باشد، در حالی که باورهای غیرمنطقی به‌تنهایی قدرت تبیینی کافی برای تفکیک دو گروه نشان ندادند. این یافته‌ها

۱. مربی گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران a.movahed@pnu.ac.ir.
۲. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات، ایران(نویسنده مسئول). z.abasi29@gmail.com
۳. کارشناسی روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران. ehteshampour.f@gmail.com
۴. کارشناسی روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران. ahmadi.f@gmail.com

بر ضرورت مداخلات مبتنی بر اصلاح باورهای ارتباطی و بازسازی شناختی در برنامه‌های پیشگیری و مشاوره خانواده تأکید می‌کند و تقویت مهارت‌های ارتباطی و اصلاح طرح‌واره‌های ناکارآمد را به‌عنوان راهبردی کلیدی در کاهش تعارضات زناشویی و پیشگیری از طلاق مطرح می‌سازد.

واژگان کلیدی: باورهای ارتباطی، باورهای غیرمنطقی، زنان متقاضی طلاق، زنان عادی، قاین.

مقدمه

ازدواج بـه معنـای پیونـد زندگـی فـردی دو نفر با حفظ اسـتقلال نسـبی هر یک درمسـیر تکامـل شـخصیت طرفین اسـت. پیوند زناشـویی به منزله یکـی از پیچیده‌ترین انـواع روابط انسـانی، واجـد چنان توان بالقوه‌ای در آزادسـازی احساسـات اسـت که در کمتـر روابط بین فـردی دیگـر می‌تـوان نظیـر آن را یافت. ازدواج و تشـکیل خانـواده افزون بر تأمیـن و ارضای نیازهای عاطفی، روانی، جنسـی و سـایر نیازها می‌تواند کانون پرورش نسل‌های سالم و رشد یافته باشد، اما این امر در صورتی تحقق می‌یابد که رابطه زوج‌ها و به‌طور کلی کانون خانواده، سالم، گرم و بی‌تنش باشد(یوسف‌نیا پاشا و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان داده است که برای یک ازدواج رضایت‌بخش، برقراری و تداوم ارتباط اثربخش ضروری است. برقراری ارتباط، یکی از مهارت‌های اصلی زندگی است. یکی از عواملی که می‌تواند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کند و موجبات عدم درک درست پیام فرستاده‌شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود، باورهـای غلـط، پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های منفی اسـت. در واقع هر چه حوزه شـناختی دو عنصـر ارتبـاط یعنـی گیرنـده و فرسـتنده پیام از یکدیگـر دورتر باشـد، اثربخشـی ارتباط کمتر خواهـد بـود. بـر اسـاس تعریـف آیدلسـون و اپشـتاین منظـور از باورهـای ارتباطـی، عقیده و ذهنیتی اسـت که زن و شـوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌انـد و منظـور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسـته از باورهـا و تفکرات غیر منطقی اسـت که مختص رابطه زناشـویی است و در اثر اسـتفاده افرادی ایجاد مشکل کرده است که شـامل باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسـر، توقع ذهن‌خواهی، کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت‌های جنسیتی می‌شود(آزادی‌فرد و امانی، ۱۳۹۵).

باورهـای ارتباطـی، یکـی از عواملـی اسـت کـه در کیفیـت ارتبـاط زناشـویی نقـش مهمی دارد. ایـن باورهـا عوامـل مهمـی در تعهد شـخصی افـراد در باقی مانـدن در روابط عاشـقانه هسـتند(اورتوزن، لوتزن، سرنسون و اندرشید،[1] ۲۰۱۰). باورهای ارتباطی ناکارآمد می‌توانند در زندگی زناشویی بسیار مشکل‌ساز باشند. باورهای ارتباطی ناکارآمد، گرایش‌هایی هستند که موجب می‌شـوند فرد در ارتباط با همسـر خود در زندگی زناشـویی به شیوه‌ای ناکارآمد و غیرمنطقی

1. Ewertzon, Lutzen, Srensson&Andershid

برخورد کند و باعث بروز مشکلات جدی در ارتباط زوجین با یکدیگر شود(ادیس و بمارد،[1] ۲۰۰۲). در مقابل باورهایی مانند این باور که همسران تغییرپذیرند، در بیشتر مواقع موجب حفظ ارتباط می‌شود و به تداوم رابطه کمک می‌کند(کارنی و مک‌نالتی،[2] ۲۰۰۱). هاروی[3] (۲۰۰۵) و وینکلر و دورتی[4] (۲۰۰۶) معتقدند که میان سبک‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد و زوجین دارای تعارض زناشویی بیشتر دارای سبک‌های ارتباطی غیرمنطقی‌تر هستند.

با ارتباط درست می‌توان پیوندهای بین فردی را افزایش داد، امکان اتخاذ تصمیم درست‌تر را فراهم کرد، نگرش‌ها و باورهای طرف مقابل را در مسیر رسیدن به همدلی بیشتر هدایت نمود و تغییرات و دگرگونی‌ها را توجیه کرد. عواملی وجود دارند که می‌توانند اثربخشی یک ارتباط را تضعیف کنند و موجب عدم درک درست پیام فرستاده‌شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شوند که به عنوان نمونه می‌توان به باورهای غلط، پیش‌داوری‌ها و نگرش‌های منفی اشاره کرد. همچنین هر چه حوزه‌های شناختی دو عنصر ارتباط یعنی گیرنده و فرستنده از یکدیگر دورتر باشد، اثربخشی ارتباط کمتر خواهد بود(شایی آرانی، ۱۳۹۲).

بنا بر اظهار نظر الیس(۲۰۰۳) بسیاری از واکنش‌های نامطلوب و مشکلات، ناشی از باورها و تفکرات غیرمنطقی زوج‌هاست و تا زمانی که این‌گونه افکار تداوم یابند، مشکلات مربوط به ارتباط، پذیرش و همراهی نیز ادامه خواهند یافت. باورهای ارتباطی یک زمینه کلان در تحلیل شناختی ـ اجتماعی و فرایندهای ارتباطی بین زوجین است که با ثبات، تعهد، صمیمیت و سازگاری در ارتباط است. از این‌رو باورهای ارتباطی، باورهایی درباره ارتباط هستند که می‌توانند کارآمد و یا ناکارآمد باشند. باورهای ارتباطی کارآمد مانند باور به اینکه زوج‌ها می‌توانند تغییر کنند و رفتارهایی را که منجر به حفظ رابطه می‌شوند، تشویق کنند و کیفیت رابطه را بهبود ببخشند. در برابر آن باورهای ارتباطی ناکارآمد مانند اختلاف نابودکننده است و شاید به عنوان آسیب‌پذیری پایداری عمل کند که توانایی زوج‌ها را برای رویارویی با چالش‌های رابطه‌شان محدود سازد(یوسف‌نیا پاشا و همکاران، ۱۴۰۰).

1. Addis &Bemard
2. Karney &MCnulty
3. Harway
4. Winkler, I., & Doherty, W. J

هافـر کامـپ(۱۹۹۴ به نقل از منصور و عبدالمحمدی، ۱۳۸۷) به بررسـی باورهـای ارتباطی و رفتار متعـارض در ۷۴ زوج پرداخـت. نتایـج نشـان داد کـه بـاور تخریب‌کنندگی مخالفـت و عـدم تغییر همسـر در پیش‌بینی اختلافات زناشـویی سهیم بودند و بین باورهای ارتباطی و شروع مشاجره در اختلافات زناشویی همبستگی منفی وجود دارد.

بوشمن(۱۹۹۸ به نقل از منصور و عبدالمحمدی، ۱۳۸۷) پژوهشی به عنوان ارتباط بین تعارض، باورهای ارتباطی و تکنیک‌های حل مسئله در ارتباطات عاشقانه زوجین انجام داد و نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن بود که استفاده از تکنیک‌های حل مسأله مخرب، ارتباط معناداری با دو باور تخریب‌کنندگی مخالفت و عدم تغییرپذیری همسر با کمال‌گرایی جنسی دارد.

در سال‌های اخیر شاهد افزایش نرخ طلاق و کاهش طول زندگی زناشویی بوده‌ایم. طبق رویکردشـناختی عوامل مؤثر بر ازدواج و سـاختار آن عبارتند از شـخصیت زوجین در ازدواج، سبک‌های دلبستگی، همانندی و همسانی نیازها، نگرش‌های ناکارآمد، انتظارات غیرمنطقی از ازدواج و باورهـای غیرمنطقـی از یکدیگر(پورمحمدرضایی تجریشـی و همـکاران، ۱۳۹۳). منظور از باورهای غیرمنطقی، وجود افکار نادرسـت و نامنطبق با واقعیت درباره خود و جهان اسـت. به اعتقاد الیس(۲۰۰۱) هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسـان آشـفتگی روانی ایجاد کند؛ زیرا تمام محرک‌ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسـیر می‌شـوند. بر این اساس سازش‌نایافتگی‌ها و مشـکلات هیجانـی ناشـی از نحوه تعبیر، تفسـیر و پـردازش اطلاعات حاصـل از محرک‌ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای غیرمنطقی زیر بنای آن‌ها قرار دارند(پور محمدرضایی تجریشی و همکاران، ۱۳۹۳).

پژوهش‌هـای متعـددی بـر ایـن تأکیـد دارنـد کـه مشـکلات رفتـاری و تعارضـات بیـن فـردی زوجیـن بـا باورهـای غیر منطقـی آن‌ها مرتبط هسـتند. بـرای مثال پژوهـش ادیب‌راد و ادیـب‌راد(۱۳۸۴) نشـان داد بیـن باورهـای ارتباطـی و دلزدگـی زناشـویی رابطه وجـود دارد. یافته‌های تحقیق حسینیان و همکاران(۱۳۹۵) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین دو گروه (زنان متقاضـی طـلاق، زنان خواهـان ادامه زندگی مشـترک) در چهار خرده‌مقیاس بـاور به مخرب بـودن مخالفـت، باور به عدم تغییرپذیری همسـر، کمال‌گرایی جنسـی و باور بـه تفاوت‌های

جنسیتی بود. نتایج پژوهش سیف و اسلامی(۱۳۸۷) در مورد نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی نشان داد که بین خرده‌مقیاس‌های نبود تغییرپذیری همسر و سازش‌پذیری همسر و سازش‌پذیری زنان، رابطه معناداری در مسیر معکوس وجود دارد. همچنین بین باورهای ارتباطی و سازش‌پذیری مردان نیز در خرده‌مقیاس‌های نبود تغییرپذیری همسر و کمال‌گرایی جنسی، همبستگی معکوس و مستقیم وجود دارد. حیدری و همکاران(۱۳۸۴) نشان دادند که بین باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش ادیب و همکاران(۱۳۸۴) نشان داد که بین برخی از باورهای ارتباطی همچون باور به تخریب‌کنندگی مخالفت و باور به عدم تغییرپذیری همسر در زن و شوهرهای مراجعه‌کننده به مراکز قضایی در مقایسه با آن‌هایی که مایل به ادامه زندگی مشترک هستند، بیشتر است. از سوی دیگر مینوت و همکاران(۲۰۱۰) مطرح کردند بین ۸۵٪ تا ۹۱٪ از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند، در ابتدای روابط زناشویی باورهای منفی و پیش‌بینی‌های غیرمنطقی از روابط زناشویی داشته‌اند. به همین سبب از نظر ویکس(۲۰۰۱) برای درمان تعارضات زناشویی بهترین راهکار، کارکردن روی باورهای ناکارآمد زوجین و تغییر دادن آن‌هاست(مداحی‌فرد و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش اکبرزاده و همکاران(۱۳۹۳) نشان داد که بین زوجین متقاضی طلاق و افراد عادی در نوع باورهای غیرمنطقی، تعارضات زناشویی و سبک‌های مقابله‌ای، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه خانواده و منظومه زن و شوهری به عنوان یک کل و نظام در نظر گرفته می‌شود، روابط همه اعضای آن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد و از هم تأثیر می‌پذیرد. بنابراین ضروری است که به بررسی باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی که از مقدمات جدایی و طلاق است، پرداخته شود. افزون بر آن طلاق و جدایی تنش‌زا و ممکن است به افزایش استرس و کاهش بهزیستی روانی زوجین منجر شود. از سویی با مشخص کردن متغیرهایی که باعث افزایش طلاق می‌شوند، می‌توان زمینه را برای پژوهش‌های بعدی فراهم کرد و از رخداد طلاق که در کشور رو به افزایش است، پیشگیری نمود. با توجه به مطالب ذکرشده، هدف این پژوهش مقایسه باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی شهر قاین است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. از آنجاکه به تحلیل مقایسه‌ای بین متغیرها پرداخته شده است، پژوهش حاضر از نوع علی ـ مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل همه زنان متقاضی طلاق و عادی هستند که در شهرستان قاین مشغول به زندگی هستند. با استناد به منابع روش تحقیق(دلاور، ۱۳۹۰) که حداقل نمونه لازم برای روش علی ـ مقایسه‌ای باید هر زیر گروه حداقل ۱۵ نفر باشد. پژوهشگران برای اطمینان از تکمیل و عودت حداقل پرسشنامه لازم، نمونه‌ای شامل ۵۰ نفر (۲۵ نفر برای هر گروه) را در نظر گرفتند که از میان زنان متقاضی طلاق تعداد ۲۵ نفر و از میان زنان عادی تعداد ۲۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز شامل پرسشنامه‌های باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین و باورهای غیرمنطقی جونز بود.

الف) پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲): این پرسشنامه به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی به دست آدیلسون و اپشتاین(۱۹۸۲ به نقل از صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، ۱۳۹۶) ساخته و به دست پوراعتماد و مظاهری(۱۳۸۰ به نقل از صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، ۱۳۹۶) به فارسی ترجمه شد. این پرسشنامه شامل ۴۰ پرسش است که هر پرسش در طیف لیکرت، به صورت ۶ گزینه‌ای از صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود و برای نمره‌گذاری همه نمره‌ها با هم جمع می‌شوند و نمره به‌دست‌آمده، نمره باورهای ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه دارای پنج خرده‌آزمون است که عبارتند از باور به تخریب‌کنندگی مخالفت (۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶)، باور به تغییرناپذیری همسر (۸، ۱۳، ۱۸، ۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸)، توقع ذهن‌خواهی (۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷)، کمال‌گرایی جنسی (۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹) و باور در مورد ناهمسانی‌های جنسی (۵، ۱۰، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰). شیوه نمره‌گذاری در مورد سؤالات ۱، ۶، ۱۱، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳، ۸، ۲۳، ۳۸، ۴، ۱۴، ۱۹، ۳۹، ۱۰، ۱۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰ به صورت معکوس است. همسانی درونی خرده‌آزمون‌ها در پژوهش‌های بی‌شماری مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله الیری(۱۹۸۷ به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۸۴) همسانی درونی آن را ۷۲٪ تا ۸۱٪ گزارش کرده

است. در پژوهش جمشیدی و همکاران(۱۳۹۵) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ است.

ب) آزمون باورهای غیرمنطقی جونز(۱۹۶۸): این آزمون برای اندازه‌گیری و سنجش عقاید غیرمنطقی ساخته شده است. این آزمون در سال ۱۹۶۸ توسط جونز تهیه شد. اکثر تحقیقاتی که پیرامون رابطه عقاید و باورهای غیرمنطقی با کنش‌های رفتاری و عاطفی در زمینه درمان عقلانی ـ عاطفی صورت گرفته است، از این آزمون استفاده کرده‌اند. جونز(۱۹۶۸ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴) اعتبار این آزمون را ۰/۹۲ گزارش کرد و پایایی هر یک از مقیاس‌های دهگانه را ۰/۶۶ تا ۰/۸۸ به دست آورد. میانگین پایایی همه زیرمقیاس‌های آن نیز ۰/۷۴ گزارش شده است. ترگسلر و کارست(۱۹۷۲ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴) گزارش کردند که پایایی کل آزمون ۰/۸۸ و اعتبار زیرمقیاس‌های آن ۰/۴۵ تا ۰/۹۵ است. آزمون باورهای غیرمنطقی از ده قسمت شامل ۱۰۰ عبارت ساخته شده است. هر قسمت مربوط به یکی از باورهای غیرمنطقی است. عبارات آزمون به صورت لیکرت پنج درجه‌ای است. آزمودنی هر عبارت را می‌خواند و موافقت یا عدم آن را از به شدت مخالف تا به شدت موافق مشخص می‌کند. جهت نمره‌گذاری به طرف غیرمنطقی بودن است؛ یعنی نمره کمتر نشان‌دهنده منطقی‌تر بودن فرد است. نمره‌گذاری از ۱ تا ۵ است. در پایان نمرات فرد را در هر خرده‌مقیاس جمع می‌کند تا نمره کل فرد به دست آید. تحقیقات متعددی روایی این آزمون را مورد تأیید قرار داده‌اند. تقی‌پور(۱۳۸۵ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴) با استفاده از یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، پایایی این آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ گزارش کرد.

در نهایت پرسشنامه‌ها توزیع و پس از جمع‌آوری آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های گردآوری‌شده در دو سطح (آمار توصیفی و آمار استنباطی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون T استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آزمودنی‌های این پژوهش یک گروه ۵۰ نفره از زنان شهر قاین بودند که از این بین ۲۵ نفر زنان متقاضی طلاق و ۲۵ نفر زنان عادی بودند. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (باورهای ارتباطی و باورهای غیرمنطقی) در جدول ۱ ارائه شده است و نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه باورهای ارتباطی دو گروه در جدول ۲ و نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه باورهای غیرمنطقی دو گروه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر مورد بررسی	گروه‌ها	تعداد آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار
باورهای ارتباطی	متقاضی طلاق	۲۵	۹۶/۷۲۰۰	۱۲/۶۵۷
	عادی	۲۵	۱۰۶/۰۴۰	۱۱/۹۵۲
باورهای غیر منطقی	متقاضی طلاق	۲۵	۳۳۹/۲۴۰	۱۶/۲۵۶
	عادی	۲۵	۳۳۳/۵۲۰	۲۵/۴۴۱

جدول شماره ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین و انحراف معیار باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق به ترتیب برابر ۹۶/۷۲۰۰، ۱۲/۶۵۷ و میانگین و انحراف معیار باورهای ارتباطی زنان عادی به ترتیب برابر۱۰۶/۰۴۰، ۱۱/۹۵۲ است. از این‌رو مشخص می‌شود میانگین باورهای ارتباطی زنان عادی بیشتر از زنان متقاضی طلاق است. همچنین میانگین و انحراف معیار باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق به ترتیب برابر ۳۳۹/۲۴۰، ۱۶/۲۵۶ و میانگین و انحراف معیار باورهای غیرمنطقی زنان عادی به ترتیب برابر ۳۳۳/۵۲۰، ۲۵/۴۴۱ است که مشخص می‌شود میانگین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان عادی است. در ادامه به منظور بررسی فرضیه‌ها از آزمون T استفاده شد که در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

فرضیه اول: بین میزان باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: آزمون T جهت مقایسه باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی

متغیر مورد آزمون	میانگین		مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
	متقاضی طلاق	عادی			
باورهای ارتباطی	۹۶/۷۲۰۰	۱۰۶/۰۴۰	-۲/۶۷۷	۴۸	۰/۰۱۰

مطابق اطلاعات جدول شماره ۲، میانگین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی به ترتیب برابر ۹۶/۷۲۰۰، ۱۰۶/۰۴۰ است که با توجه به T به‌دست‌آمده (۲/۶۷۷) با درجه آزادی ۴۸ که در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است، می‌توان گفت بین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: آزمون T جهت مقایسه باورهای غیر منطقی زنان متقاضی طلاق و عادی

متغیر مورد آزمون	میانگین		مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
	متقاضی طلاق	عادی			
باورهای غیر منطقی	۳۳۹/۲۴۰	۳۳۳/۵۲۰	۰/۹۴۸	۴۸	۰/۳۴۸

مطابق اطلاعات جدول شماره ۳، میانگین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی به ترتیب برابر ۳۳۹/۲۴۰، ۳۳۳/۵۲۰ است که با توجه به T به‌دست‌آمده (۰/۹۴۸) با درجه آزادی ۴۸ که در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار نیست، می‌توان گفت بین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

ارتباطات میان‌فردی، اساس و شالوده هویت و کمال انسان و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران است ارتباطات مؤثر موجب شکوفایی و بهبود کیفیت روابط افراد می‌شود. این در حالی است که ارتباطات غیرمؤثر مانع شکوفایی انسان می‌شود و روابط را تخریب می‌کند. انسان درگیر ارتباط می‌شود تا هویت پیدا کند و با دیگران پیوند برقرار و پیوندهای خود را عمیق‌تر می‌کند. در ضمن مشکلات خود را رفع و امکانات موجود را کشف می‌کند. بنابراین اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان‌فردی تشکیل می‌دهد. ارتباطات میان‌فردی، حیات‌بخش روابط هدفمند است(وود، ۱۹۹۸ به نقل از ادیب‌راد و همکاران، ۱۳۸۴).

نتایج پژوهش نشان داد بین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های حسینیان و همکاران(۱۳۹۵)، ادیب‌راد و ادیب‌راد(۱۳۸۴)، ادیب‌راد و همکاران(۱۳۸۴) همسوست. افراد از زمان کودکی درباره خود، دیگران و دنیای‌شان باورهای خاصی ایجاد می‌کنند. مهم‌ترین این باورها یا باورهای اصلی، ادراک‌ها یا دریافت‌هایی آن‌چنان بنیادین و عمیق است که حتی برای خود افراد نیز واضح و روشن نیستند. همان‌گونه که وجود اشیاء برای افراد حقیقت دارد، این عقاید را نیز به عنوان حقیقت مطلق در نظر می‌گیرند و آن‌ها را وارد خانواده اصلی خود می‌کنند. در واقع به همان شکلی که افراد باورهای محوری در مورد خود، جهان و آینده دارند، باورهایی نیز در مورد خانواده‌هایشان دارند. باورهای منشأگرفته از خانواده پدری چه خودآگاه و چه ناخودآگاه، از جانب هر دو زوج به هم می‌پیوندند و باعث بروز و شکل‌گیری طرح‌واره‌های خانواده فعلی می‌شوند. گاه همین باورهایی را که از خانواده هسته‌ای در خود جذب کرده و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌ایم، غیرمنطقی هستند؛ اما بر اثر استفاده زیاد آن‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی برای ما به صورت عادت درآمده است و مکرراً از آن‌ها در نظام تفسیری خود استفاده می‌کنیم(افقه، ۱۳۸۷). طبق مطالعات انجام‌شده، باورهای ارتباطی در کیفیت ارتباط نقش مؤثری دارند. در واقع این باورها یکی از مهم‌ترین فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده شخصی افراد در روابط عاشقانه محسوب می‌شوند. در صورتی که این باورها غیرمنطقی باشند، رابطه

زودتر تخریب می‌شود و به سمت جدایی پیش می‌رود(نوری پورلیالی و همکاران، ۱۳۹۴).

سناریوی طلاق، یک معرکه ناگهانی نیست؛ بلکه فقدان تدریجی صمیمیت و نزدیکی است. ترس از تعارض و احساسات همراه آن می‌تواند منجر به عدم درگیری در مسائل و در نهایت ابتدا طلاق عاطفی و سپس طلاق قانونی شود(شیبری، ۱۳۸۷). همسرانی که مهارت‌های ارتباطی را بلد باشند، هرگز با طعنه، زخم‌زبان، کنایه و پایین آوردن حرمت یکدیگر به ابراز احساسات ناخوشایند نمی‌پردازند. نباید تصور کنیم که یک زندگی ایده‌آل بدون هر گونه اختلاف‌نظر است. واقعیت این است که اختلاف‌نظر و تفاوت عقیده همیشه وجود خواهد داشت؛ نکته‌ای که مهم است، نحوه برخورد و حل اختلاف است.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود ندارد که با نتایج پژوهش‌های حجت و همکاران(۱۳۹۲) و زارعی‌دوست و همکاران(۱۳۸۶) همسوست، اما اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه(انصاف‌داران و همکاران، ۱۴۰۰؛ اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۳؛ هنرپروران و همکاران، ۱۳۹۰) به ارتباط باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری و جدایی زوجین اشاره دارد. باورهای غیرمنطقی به طور مستقیم به دلیل همراه داشتن نگرانی‌ها، انتظارات، نشخوارهای فکری و حساسیت‌ها در یک زمینه خاص به طور غیرمستقیم با تأثیرگذاری در بروز اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب و نیز وجود باورهای غیرمنطقی تحکمی از قبیل بایدهای دیگر محور در یک یا هر دو زوج می‌تواند با اعمال کنترل بر طرف مقابل، از نیاز به خود پیرو بودن و انجام رفتارها به خواست و اراده خود در همسر ممانعت کند. افزون بر تأیید، تحسین و برقراری رابطه گرم و صمیمی با طرف مقابل مشروط به پیروی از باورها و ارزش‌های مورد قبول خود، مانع ارضای نامشروط نیازهای شایستگی و ارتباط در همسر می‌شود و بدین ترتیب داشتن این قبیل باورهای تحکمی می‌تواند با ممانعت از ارضا و نیازهای بنیادین همسر، مانع شکل‌گیری رابطه حمایتگر، صمیمی و متعهدانه در زوجین و موجب بروز مشکلات زناشویی شود(صدری دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۸).

تفاوت در یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش با پژوهش‌های پیشین را می‌توان بر پایه مواردی که در زیر به آن‌ها اشاره شده است، تبیین کرد:

۱. بر اساس نتایج پژوهش امین‌پور و احمدزاده(۱۳۹۰) بین میانگین باورهای غیرمنطقی بر اساس سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین نمره باورهای غیرمنطقی افراد دارای تحصیلات ابتدایی و بی‌سواد بیش از سایر گروه‌هاست. از این‌رو با توجه به اینکه در پژوهش حاضر سطح تحصیلات آزمودنی‌ها همتا نشده بود، برای تعمیم یافته‌ها لازم است احتیاط بیشتری صورت گیرد.

۲. جامعه کنونی ما جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته و به تبع آن تغییر در باورها و عقاید است. هر چه سن افراد پایین‌تر باشد، طبیعتاً تغییر در باورها را سریع‌تر می‌پذیرند و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر متغیر سن کنترل نشده است؛ از این‌رو می‌توان انتظار داشت که تفاوت‌های سنی اعضای نمونه مانع از مشاهده نتایج پیش‌بینی‌شده گردیده باشد.

زوجین نیاز دارند که با مطالعه تفاوت‌های زن و مرد و کسب مهارت‌های ارتباطی به تدریج باورهای منفی و کلیشه‌های غلط و ویرانگر را به افکار مثبت تبدیل کنند. همیشه گفته می‌شود که تنها چیز ثابت در زندگی «تغییر» است. باید با تمرین و ممارست تغییر را ایجاد کرد. نباید از روند کند «تغییر» خسته شویم. باید بدانیم که ارتباطات رشدیافته نیازمند این تغییر و تغییر زمان‌بر است و آنچه به زندگی ما هدیه می‌کند، بسیار لذت‌بخش خواهد بود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که این تحقیق در فاصله زمانی کوتاه‌مدت اجرا شده است که این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری در خصوص نتایج در شرایط زمانی بلندمدت تأثیر بگذارد. محدودیت دیگر این است که در پژوهش حاضر به دلیل اینکه جامعه آماری این پژوهش افراد متقاضی طلاق بودند، در تعمیم‌یافته‌ها به سایر افراد جامعه باید به خاص بودن نمونه توجه شود. از این‌رو پیشنهاد می‌شود برای نمونه‌هایی با حجم بیشتر و در جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت‌تر این پژوهش توسط پژوهشگران دیگر تکرار شود تا قابلیت تعمیم نتایج بیشتر شود. با توجه به اینکه این پژوهش در شهرستان قاین انجام گرفت و با توجه به اینکه مسائل فرهنگی در زندگی زناشویی افراد تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در شهرها، قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت تکرار شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ادیب‌راد، نسترن و مجتبی ادیب‌راد (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دل‌زدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ش۱۳، ص۱۱۰_۹۹.

۲. ادیب‌راد، نسترن، اسماعیل مهدوی، مجتبی ادیب‌راد و غلامرضا دهشیری (۱۳۸۴) «مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه‌کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱، ش۲، ص۱۳۸_۱۳۱.

۳. آزادی‌فرد، صدیقه و رزیتا امانی (۱۳۹۵)، «رابطه باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با رضایت زناشویی»، دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت، دوره ۱۴، ش۲(پیاپی ۲۷)، ص۴۷_۳۹.

۴. افقه، سوسن (۱۳۸۷ش)، آرون تمکین بک، پیشگام شناخت درمانی، تهران: دانژه.

۵. اکبرزاده، داود، حسن اکبرزاده، صابح قنبری و علی محمدزاده (۱۳۹۳)، «مقایسه نوع باورهای غیرمنطقی، تعارضات زناشویی و سبک‌های مقابله‌ای در زوجین متقاضی طلاق و عادی»، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال ۱۸، ش۹، ص۵۲۴_۵۱۶.

۶. امین‌پور، حسن و یاسین احمدزاده (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه وضعیت باورهای غیرمنطقی در افراد معتاد و عادی»، فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، دوره ۵، ش۱۷، ص۱۲۰_۱۰۷.

۷. انصاف‌داران، فریده، مهناز محمدی‌زاده سروستانی و کاظم خرم‌دل (۱۴۰۰)، «مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی»، فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، دوره ۳، ش۴، ص۵۹_۳۷.

۸. پورمحمدرضایی تجریشی، معصومه، سحر پهلوان‌نشان و طاهره نجفی‌فرد (۱۳۹۳)، «رابطه باورهای غیرمنطقی و سازگاری زناشویی زوجین شهر اصفهان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، ش۵۳، ص۱۹۳_۱۷۹.

۹. جمشیدی، علی‌رضا، حسین صاحبدل و زینب شکوری (۱۳۹۵)، «باورهای ارتباطی و تراز بی‌ثباتی پیوند زناشویی در مردان و زنان متأهل»، آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۲، ش۲، ص۱۴_۱.

۱۰. حجت، سید کاوه، گلناز وحیدی، مهین حمیدی، سیدآرش اکابری، سرور کاظمی و مینا نوروزی خلیلی (۱۳۹۲)، «مقایسه خصوصیات شخصیتی و باورهای غیرمنطقی در زنان مصرف‌کننده مواد مخدر سنتی و زنان مصرف‌کننده مواد مخدر صنعتی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دوره ۵، ش۲، ص۳۲۳_۳۲۹.

۱۱. حسینیان، سیمین، رقیه نوری پولیاولی، فاطمه رهنما و جویا پورپهلوان (۱۳۹۵)، «مقایسه باورهای ارتباطی در زنان متقاضی طلاق با زنان خواهان ادامه زندگی مشترک»، همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری، تهران.

۱۲. حیدری، محمود، محمدعلی مظاهری و حمیدرضا پوراعتماد (۱۳۸۴)، «رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱، ش۲، ص۱۳۰_۱۲۱.

۱۳. دلاور، علی (۱۳۹۰ش)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: انتشارات ویرایش.
۱۴. زارعی‌دوست، الهام، محمدکاظم عاطف‌وحید، اکبر بیان‌زاده و بهروز بیرشک (۱۳۸۶)، «مقایسه منبع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی شهر تهران»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، دوره ۱۳، ش۳، ص۲۷۹ـ۲۷۲.
۱۵. سیف، سوسن و معصومه اسلامی (۱۳۸۷)، «نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی»، اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا، دوره ۴، ش۱و۲، ص۱۳۰ـ۹۹.
۱۶. شایی‌آرانی، سهیلا (۱۳۹۲)، «سازگاری زناشویی توسط رضایت جنسی و باورهای ارتباطی ناکارآمد زوجین معتاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی شیراز.
۱۷. شیبری، زهره (۱۳۸۷ش)، مهارت حل تعارض برای همسران، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
۱۸. صداقت‌خواه، عاطفه و ساره بهزادی‌پور (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال ۸، دوره ۲، ص۷۶ـ۵۷.
۱۹. صدری دمیرچی، اسماعیل، آرزو مجرد و معصومه پیرقلی کیوی (۱۳۹۸)، «مقایسه منبع کنترل، باورهای غیرمنطقی و جهت‌گیری مذهبی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر اردبیل در سال ۱۳۹۵»، پژوهش در دین و سلامت، دوره ۵، ش۴، ص۷۸ـ۷۳.
۲۰. منصور، لادن و کبری عبدالمحمدی (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی کارکنان زنان متأهل دانشگاه شهید بهشتی»، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۲، ش۲، ص۲۸۰ـ۲۶۵.
۲۱. نریمانی، محمد، محمدجواد بگیان کوله‌مرز و بهناز مهدی‌نژاد مقدم (۱۳۹۴)، «مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی در بیماران مبتلا به سردردهای میگرنی و افراد سالم»، روان‌شناسی سلامت (دانشگاه پیام‌نور)، دوره ۴، ش۱۳، ص۲۰ـ۷.
۲۲. نوری‌پور لیالی، رقیه، علی فتحی آشتیانی، محمدرضا عبدی، جویا پور پهلوان و سمیه سهیلی‌زاده (۱۳۹۴)، «مقایسه باورهای ارتباطی در مردان متقاضی طلاق با مردان خواهان ادامه زندگی مشترک»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ش۱۳، ص۱۲۶ـ۱۱۳.
۲۳. هنرپروران، نازنین، لادن معین و رضا معصومی (۱۳۹۰)، «مقایسه باورهای غیرمنطقی و ارزش‌ها در زنان متقاضی طلاق و عادی»، دومین همایش ملی روان‌شناسی ـ روان‌شناسی خانواده، مرودشت.
۲۴. یوسف‌نیا پاشا، مهدی، شهره قربان شیرودی و علیرضا همایونی (۱۴۰۰)، «مدل‌یابی ساختاری بین باورهای ارتباطی با سازگاری زناشویی از طریق میانجی‌گری مهارگری زناشویی در زنان متأهل»، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، دوره ۱۲، ش۴۵، ص۹۲ـ۸۰.

ب) منابع لاتین

1. Addis, J. &Benard, M. E. (2002). Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of rational emotive and cognitive behavioral therapy*, 20 (1), 3_13.

2. Ewertzon, M., Lutzen, K., Svensson, E., &Andershed, B. (2010). Family members involvement in psychiatric care: Experiences of the health care professionals approach and feeling of alienation. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 17, 422-432.
3. Harway, M. (2005). Handbook of couple therapy. John Wiley & Sons.
4. Karney, B. &Mcnulty, J. (2001). *Cognition and the development of close relationship. Interpersonal processes,* Newyork: Wiley.
5. Maddahifard, R., Rahimi, M., Kazemi Zarif, A. R. & Fattah Moghaddam, L. (2015). The effect of spiritual group therapy on resilience and conflict of women with marital conflict, *Journal of Applied Environmental*, 5 (9S), 326-334.
6. Minnotte, K. L., Pedersen, D. & Mannon, S. E. (2010). The emotion terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction, *The Social Science Journal*, 47, 747-761.
7. Winkler, I., & Doherty, W. J. (2006). Communication styles and marital satisfaction in Israeil and American couples, *Family Process*, 22(2), 221-228.